



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Research on the style and content of Sanjar Kashani's poems

A. Mohammadi

Department of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 23 May 2020
 Reviewed: 25 June 2020
 Revised: 10 July 2020
 Accepted: 26 August 2020

KEYWORDS

Sanjar Kashani, Indian style, Isfahani style, Persian poetry of the 10th and 11th centuries

*Corresponding Author

✉ a_mohammadi56@pnu.ac.ir

☎ (+98 413) 4763330

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Mir Seyyed Mohammad Tabatabai alias Sanjar Kashani (1021-981) is one of the Persian poet poets of the 11th century AH. His life period was historically contemporaneous with the prevalence of the style known as Hindi or Isfahani, and like most poets of this style, he spent part of his life in India and composed his poems in that land. Due to Sanjar's lack of fame, despite the little research and research that has been done on this poet, the quality and details of his poetic status are not well known. The main question of the present study is what are the most prominent stylistic and content features of this poet's poetry at the intellectual, linguistic, lexical and rhetorical levels, and to what extent does he deviate from the main features of the Indian style?

METHODOLOGY: The research method in this article is descriptive-analytical method and this research has been done by referring to existing references and references related to the life and circumstances of Sanjar Kashani and the stylistic and content characteristics of his poetry.

FINDINGS: Sanjar enjoyed considerable fame and prestige during his lifetime, so much so that Saeb Tabrizi mentioned him in his poem. He is a praiseworthy poet and in his poetry he has praised several kings of India such as Akbarshah, Mirza Khani Bey, Shahnavaz Khan and Ibrahim Adel Shah.

CONCLUSION: Narrative thinking and the creation of new themes and attention to colloquial words along with the extensive use of allegory and paradox are the most central features of Sanjar's Indian style. Also, the use of words with a special semantic and symbolic load and also special attention to some religious events and allusions in religious praises can be considered as the distinguishing features of Sanjar's poetry in comparison with the poetry of other poets of this period.

DOI: [10.22034/bahareadab.2021.14.5415](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2021.14.5415)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 14	 0	 0

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

مقاله پژوهشی

پژوهشی در سبک و محتوای اشعار سنجر کاشانی

احمد محمدی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، ایران.

چکیده:

زمینه و هدف: میر سید محمد طباطبائی متخلص به سنجر کاشانی (۹۸۱-۱۰۲۱) از شعرای فارسیگوی سده یازدهم هجری است. دوران زندگی وی از لحاظ تاریخی مقارن با رواج سبک موسوم به هندی یا اصفهانی بود و مانند اغلب شعرای این سبک، بخشی از زندگی خود را در سرزمین هند سپری کرده و به سرایش اشعار خود در آن دیار پرداخته است. بواسطه عدم اشتها سنجر، با وجود تحقیقات و پژوهشهای اندکی که درباره این شاعر انجام شده، کیفیت و جزئیات مقام شاعری وی چندان شناخته شده نیست. سؤال اصلی تحقیق حاضر این است که برجسته‌ترین ویژگیهای سبکی و محتوایی شعر این شاعر در سطوح فکری، زبانی، لغوی و بلاغی کدامند و میزان عدول وی از خصائص عمده سبک هندی تا چه حد است؟

روش مطالعه: روش تحقیق در این مقاله روش توصیفی-تحلیلی است و انجام این پژوهش از طریق مراجعه به مراجع و مآخذ موجود و مرتبط با زندگی و احوال سنجر کاشانی و خصوصیات سبکی و محتوایی شعر او صورت گرفته است.

یافته‌ها: سنجر در زمان حیات از شهرت و اعتبار قابل اعتنائی برخوردار بود تا بدان حد که صائب تبریزی در شعر خود از وی یاد کرده است. او شاعری مداح است و در شعر خود چندین تن از پادشاهان هند از قبیل اکبرشاه، میرزا خانی بیگ، شاهنواز خان و ابراهیم عادلشاه را ستوده است.

نتیجه‌گیری: باریک‌اندیشی و خلق مضامین نو و توجه به الفاظ مجاوره به همراه استفاده فراوان از اسلوب تمثیل و پارادوکس از محوریت‌ترین خصیصه‌های سبک هندی شعر سنجر است. همچنین استعمال الفاظ دارای بار معنایی و رمزی خاص و نیز توجه ویژه به برخی وقایع و اشارات دینی در مباحث مذهبی را میتوان از وجوه تمایز شعر سنجر در مقایسه با شعر سایر شاعران این دوره قلمداد کرد.

تاریخ دریافت: ۳ خرداد ۱۳۹۹

تاریخ داوری: ۵ تیر ۱۳۹۹

تاریخ اصلاح: ۲۰ تیر ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۵ شهریور ۱۳۹۹

کلمات کلیدی:

سنجر کاشانی؛ سبک هندی؛ سبک اصفهانی؛ شعر فارسی قرن ۱۰ و ۱۱

* نویسنده مسئول:

✉ a_mohammadi56@pnu.ac.ir

☎ ۴۷۶۳۳۳۰ (+۹۸ ۴۱۳)

مقدمه

سبک‌های هندی یا اصفهانی در بین سبکها و شیوه‌های مختلف موجود در عرصه ادب فارسی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این امر بیشتر بواسطه تحولات عمده اجتماعی، سیاسی و مذهبی مقارن با دوران تاریخی سده‌های دهم تا دوازدهم است. ترویج مذهب تشیع توسط حکومت صفوی و کساد بازار شعر مدحی از یک سو و آغوش باز حکمرانان هند در پذیرش شعرا و ادبای ایرانی و اعطای صله و پاداش درخور به آنان از سوی دیگر، در کنار اقتصاد شکوفا و تمتع نسبی آحاد جامعه و گرایش آنها به شعر و شاعری از مهمترین علل ایجاد و گسترش این سبک محسوب میشود.

از ویژگیهای عمده این سبک میتوان به افراط در خیالپردازی، کثرت تمثیل و ارسال‌المثل، حضور پررنگ الفاظ عامیانه در شعر، اشاره به اوضاع و احوال شخصی و نیز بهره‌گیری فراوان از آرایه‌های تشبیه و تلمیح اشاره کرد. صائب تبریزی، عرفی شیرازی، فیضی دکنی، حزین لاهیجی و غنی کشمیری از چهره‌های شاخص و نامدار این دوره محسوب میشوند که کتب و مقالات فراوانی درباره شعر و سبک گویندگی آنان توسط محققان نگاشته شده است. برخی دیگر از سرایندگان که در دوره تاریخی مذکور زیسته و آثار شعری خود را منطبق بر موازین و معیارهای این سبک پدید آورده‌اند، به اندازه شعرای مذکور دارای اشتهار نیستند که از جمله این شاعران میتوان به آتش اصفهانی، تأثیر تبریزی، بقایی اسفراینی، و سنجر کاشانی اشاره کرد که لازم است با تحقیق در دواوین آنها، ویژگیهای صوری و محتوایی اشعار آنان را به علاقمندان و اهل ذوق معرفی نمود. بنا به ضرورت یادشده در مقاله حاضر از سبک و محتوای اشعار سنجر کاشانی از سخنوران اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم سخن خواهیم راند.

سابقه پژوهش

درخصوص سنجر کاشانی و شعر وی، با مراجعه به منابع پژوهشی و تحقیقی، پیشینه زیر بدست آمد:
الف) دیوان: تصحیح دیوان سنجر کاشانی ظاهراً برای نخستین بار توسط مصطفی فیضی و حسن عاطفی و عباس بهنیا در سال ۱۳۵۵ انجام و توسط انتشارات فرهنگ و هنر کاشان چاپ شده است.
تصحیح دیگری از دیوان این شاعر توسط عباس بهنیا و حسن عاطفی در سال ۱۳۸۷ توسط انتشارات موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی به طبع رسیده است.

ب) پایان‌نامه

پایان‌نامه با عنوان «بررسی و تحلیل آداب و رسوم و اشارات در دیوان سنجر کاشانی» توسط محمد مهدی سروشیان در سال ۱۳۸۹ در دانشگاه کاشان دفاع شده است. حیدر خلیلی سیلابی از پایان‌نامه خود با عنوان «تحقیق در دیوان سنجر کاشانی» در سال ۱۳۹۰ در دانشگاه پیام نور تبریز دفاع کرده است. پایان‌نامه دیگری با عنوان «تحلیل سبک‌شناسانه غزلیات سنجر کاشانی» توسط زهره شجاع سنگچولی در سال ۱۳۹۲ در دانشگاه ولیعصر (عج) رفسنجان دفاع شده است.

ج- مقاله

مقاله «مضمون وطن در اشعار سنجر کاشانی» توسط حیدر و اکبر خلیلی در سال ۱۳۹۳ در کنگره ملی پژوهشهای کاربردی علوم انسانی اسلامی چاپ شده است. مقاله دیگری با عنوان «نقد و تحلیل تشبیه در دیوان سنجر کاشانی» توسط حسین اتحادی و دیگران در سال ۱۳۹۸ منتشر شده است.

روش مطالعه

روش تحقیق در این مقاله روش توصیفی تحلیلی است و انجام این پژوهش از طریق مراجعه به مراجع و مآخذ موجود و مرتبط با زندگی و احوال سنجر کاشانی و خصوصیات سبکی و محتوایی شعر او صورت گرفته است. نخست مقدمه‌ای در خصوص شرح احوال سنجر ذکر شده و سپس به بیان برجسته‌ترین ویژگیهای سبکی و محتوایی شعر این شاعر در سطوح فکری، زبانی، لغوی و بلاغی پرداخته شده است. لازم بذکر است که کلیه ابیات نقل شده از سنجر کاشانی در تحقیق حاضر از دیوان تصحیح شده این شاعر توسط حسن عاطفی و عباس بهنیا (۱۳۸۷) انتخاب شده است.

بحث و بررسی

شرح حال سنجر کاشانی

میرسید محمد هاشم طباطبائی متخلص به سنجر کاشانی از شاعران اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری قمری است که در سال ۹۸۱ در شهر کاشان بدنیا آمد. خانواده سنجر اهل فضل و شعر و ادب بودند. پدر او رفیع‌الدین حیدر نام داشت که خود از بزرگان و شاعران عصر صفوی (دوره شاه طهماسب و شاه عباس اول) بود و در شعر تخلص رفیعی داشته است. همچنین به حیدر معمایی شهرت داشت که همانگونه که از عنوانش پیداست بیشتر در فنّ معما و لغز معروف بوده است (مقدمه دیوان سنجر کاشانی، فیضی و دیگران: ص ۸). وی در زادگاه خویش به کسب دانش و ادب پرداخت و بیشتر از فضایل و کمالات پدر خود بهره‌مند گردید. چنانکه گوید:

ز یمن پدر یافتم به تجربه سنجر ز رشک آنچه معلم نداده بودم یاد
مرا افاده استادم احتیاج نشد که داده بود پدر پند بی قیاس مرا

و در مراحل دیگر از محضر استادان بزرگ این شهر، مانند محتشم و دیگر شاعرانی که با پدرش دوستی داشته‌اند، بهره‌وفی برد و به تکمیل فنون شاعری پرداخت و تا بدان پایه رسید که به تربیت طالبان وادی شعر و ادب روی آورد (همان: ص ۴۰). سنجر مسافرت‌هایی به بعضی نقاط از جمله اصفهان داشته و سرانجام رهسپار هند گردیده است. درباره شهرت سنجر باید گفت که پس از مرگ نیز از این شهرت برخوردار بوده و برخی از سخنوران پس از وی به مناسبت‌هایی از سنجر یاد کرده‌اند. از جمله صائب در روزگاری که در هند بود قصیده «ای در برهان پور» سرود که در ضمن ستایش از سخن خود از سنجر و نوعی و عرفی بدینگونه یاد میکند:

هزار حیف که عرفی و نوعی و سنجر نیند جمع به دارالعباد برهان پور
که قوت سخن و لطف طبع میدیدند نمیشدند به طبع بلند خود مغرور

ممدوحان سنجر

سنجر، ستایشگر اکبر، و گذشته از او میرزا جانی بیگ، والی تته، و فرزندش میرزا غازی بیگ ترخان متخلص به وقاری بود. دیگر ممدوحان سنجر عبارتند از: شاهنواز خان شیرازی، ابراهیم عادلشاه حکمران بیجاپور و شاه عباس اول صفوی (همان: صص ۴۳-۴۶). سنجر در سال ۱۰۲۱ ه.ق، که قصد مراجعت به ایران داشت، در بیجاپور دچار بیماری شد و درگذشت و در آنجا به خاک سپرده شد (همان: ص ۵۵).

بررسی سبکی و محتوایی اشعار سنجر کاشانی

سطح فکری

مدح: مدح از مضامین پربسامد و قابل توجه در شعر سنجر کاشانی است. مدایح موجود در دیوان وی را میتوان به دو دسته (مدایح مذهبی) و (مدایح غیرمذهبی) تقسیم کرد:

مدایح مذهبی: سنجر در دیوان خود به دفعات از ارادت ویژه‌ای که به نبی اکرم (ص) دارد سخن میگوید و در ضمن یکی از مثنویهای خود در حدود ۱۵۰ بیت بصورت مفصل به توصیف معراج نبوی و جزئیات آن میپردازد که شایسته است با تأمل در تک تک ابیات این مثنوی به استخراج نکات تاریخی و حوادث متعدد واقعه معراج پرداخته شود. ابیات آغازین این مثنوی به شرح زیر است:

شیدستم که شاه عرش مسند	نبی الله ابوالقاسم محمد
شب معراج پیش از مژده وصل	به نرگسزارش آمد خواب را فصل
از این سو برگ خفتن ساز کرده	وز آن سو دیده دل باز کرده...
چو پهلو آشنا شد بر زمینش	گرفت انگشت پا روح‌الامینش
که یا خیرالبشر ایزد تعالی	درودت میرساند عرش بالا
به طاق ابرویت دارد نهانی	سلامی از زبان بی سلامی
حبیب خویش را خواند نهانی	به خلوتگاه خاص جاودانی...

(دیوان سنجر کاشانی: ص ۴۵۶)

سنجر در بخشهایی از مثنوی مذکور به مدح و تمجید از مقام والای حضرت علی (ع) نیز میپردازد:

محمد کاشف علم لدنی	علی عین حدیث آنت منی
تمامش علم و علمش در عمل صرف	نخوانده بی عمل از علم یک حرف
اگر خواهی که بشناسی علی را	صلا درده به این دعوی نبی را
نبوت را به آن سر بسته دادند	ولایت را به این در بسته دادند
دو انگشتش به چشم حلقه در	چو در شد، گشت فتح الباب خیبر
نبی عین خدا، عین نبی اوست	به هم چون استخوان و گوشت با پوست

(همان: صص ۴۶۳ و ۴۶۴)

علاوه بر مثنوی مذکور، سنجر در قصیده‌ای مستقل به مدح حضرت علی (ع) پرداخته است. در این قصیده شاعر پس از اظهار ناراحتی از رنج و ملال فراوان روزگار به وصال یار می‌اندیشد و به این موضوع فکر میکند که بهره‌ای از حیات نخواهد برد؛ زیرا سیه‌بختی او را حتی اسکندر در آینه و خضر در آب دیده است. سپس ضمن اظهار ارادت به ساحت حضرت علی (ع) به مدح وی میپردازد و از آن حضرت مدد میطلبد:

چه تمتع ز حیاتم که سیه‌بختی من	دیده اسکندر در آینه و خضر در آب
پرده بردار ز رخ تا همه در سجده شویم	هیچ کس جز تو نیاویخته بر محراب
بوالحسن آنکه نپرورده چو او جد حسین	بوتراب، آنکه نزاده است چو او امّ تراب
مصطفی گوش به تکبیر تو بودست به رزم	شهرتی دارد این نقل صحیح از اصحاب
از نهیب تو اگر سنگ بود، آب شود	آسیا از اثر قهر تو گردد گرداب
بر سر چارسوی مهر و محبت چو رسم	شاهراه تو به تحقیق بود راه صواب

گرد طومار جهان سیر کند دلّال تو
تا سرانگشت رسانیش به مقرض رکاب
شود از نقش سُمش گاو زمین ماهی پست
آن تنومند، درنگش چو دهی گاه شتاب...
(همان: صص ۳۱۱ و ۳۱۲)

برای مشاهده شواهد بیشتر در این زمینه به دیوان سنجر کاشانی صفحات ۴۶۵، ۴۵۹، ۴۵۸ و ۴۶۰ مراجعه شود. مدایح غیرمذهبی: عمده‌ترین مضامین مدح غیرمذهبی دیوان سنجر، مربوط به مدح امیران و شاهزادگان معاصر وی است. در این مدایح، او بعضاً مثل شاعران سلف خود (خاقانی، انوری، وطواط و مانند آنها)، غلو و مبالغه و افری به خرج میدهد و مقام ممدوح را از آسمانها نیز فراتر میبرد و دشمنان آنها را در زیر پای آنان تصور میکند. همچنین معتقد است که آفرینش همه آدمیان بخاطر ممدوح است. به جهت فقدان ارزش هنری و ادبی چنین اشعاری، از ذکر مصادیق آنها صرف نظر میشود و خوانندگان میتوانند برای بررسی مضامین مدحی مربوط به امیران روزگار سنجر به متن دیوان وی بویژه قطعه اول (ص ۳۸۳)، قطعه ۴ (ص ۳۸۶)، قطعه ۷ (ص ۳۸۸)، قطعه ۱۴ (ص ۳۹۲)، قصیده ۵ (در مدح شاهزاده سلیم)، قصاید ۷، ۱۶ و ۲۵ (در مدح اکبرشاه)، قصیده ۱۰ (در مدح شاهنوازخان) و قصیده ۲۰ (در مدح شاهزاده دانیال) مراجعه نمایند. در ستایشهای اغراق آمیز سنجر از پادشاهان و حاکمان نکات زیر قابل توجه است:

الف) مدح جاه و مقام ممدوح

ب) مدح عدالت ممدوح و خوبیها و محبتهای وی

پ) ت وصیف شجاعت و خشم ممدوح

ت) درخواست صله از ممدوح و دعا برای جاودانگی وی

ستایش از مقام مادر: در دیوان سنجر ارادتی نسبت به مادرش میبینیم و بر اساس آنچه از مضمون ابیات قصیده ۲۵ دیوان مشخص میشود، این موضوع مربوط به زمانی است که سنجر در دیار غربت در دربار اکبر شاه بود. وی از ممدوح میخواهد کاری کند تا مادرش به هند بیاید و شاعر بتواند پس از ده سال دوری از مادر، او را ملاقات کند. وی در ضمن ابیات این قصیده مادرش را به نیکی میستاید و از مهر و عواطف مادرانه والده پیر و غمدیده خود در حق خویش سخن میگوید و اشتیاق وافر خود را برای ملاقات مادر بیان میکند. شاید چنین توصیفی از مقام مادر در ادبیات سبک هندی بینظیر باشد:

غمدیده پیر والدهای در وطن مراست
اندر محبت من و یعقوب مادران
هرگز به من خطاب نکردی به غیر جان
هرگز به من خطاب نکردی به غیر جان
گردم ز چهره شستی و آبم به رخ زدی
باد ار به من وزیدی، بودی بر او گران
مژگان به جای شانه نهادی به موی من
تیمار من نکردی مانند دیگران
از خدمتش اگر قدمی دور ماندمی
صد بنده بیش کردی دنبال من روان
ده سال شد کنون که ندارد خیر ز من
ده سال شد کنون که نیابد ز من نشان
چشم از فراق من شده از نور بینصیب
دل از جفای من شده رنجور و ناتوان
بعد از دعای شاه همین است ورد او
کامسال دیر آمد از هند کاروان
خواهم به دولت تو میسر شود مرا
توفیق پایبوس وی اما در این مکان
(همان: صص ۳۵۷ و ۳۵۸)

ستایش فرزند: سنجر مثنوی بلندی با عنوان (در نصیحت فرزند) دارد که در ضمن آن، ابتدا فرزند خود را که ظاهراً (افسر) نام داشته است میستاید و سپس او را نصیحت میکند که در زندگی چگونه باشد:

بیبا افسر ای تاج سنجر	که اول نهالی و پیشین ثمر
تو در رشته‌ام چون سر رشته‌ای	که از صاف نیسان من کشته‌ای
صدف‌وارت ای گوهر شاهوار	پس از قرنی آورده‌ام در کنار
تو اصلی دگرها طفیل تویند	نه همشیر و اخوان که خیل تویند
مرا تربیت کردن تست فرض	به گردن ترا مهر اخوان است قرض

(همان: ص ۴۴۴)

مضامین غنائی و عاشقانه

توصیف جمال معشوق و جزئیات شمایل او: توصیف معشوق از مضامین مورد علاقه سنجر بویژه در غزلیات اوست. او با دقت و وسواس خاصی به شرح جزئیات مربوط به جمال معشوق میپردازد که نمونه‌ای از این توصیفات براساس ترتیب صفحات دیوان به قرار زیر است:

لبش کام دل رنجور داد و شیوه این باشد	طبیبان را چو حال نزع بیماران شود پیدا
(همان: ص ۱۰۰)	
چشم تو غزالی است که مژگان ختن اوست	حسن تو بهاری است که عارض سمن اوست
(همان: ص ۱۳۶)	
غمزه‌ات جان را نشان تیر مژگان کرده است	التفاتی بر مراد نامرادان کرده است
(همان: ص ۱۵۰)	
بر قامت تو نازم کز بوستان عالم	بس نخل خیزد اما طوبی لقب نباشد
(همان: ص ۱۶۶)	
ز خال هندویت شد بیش قدر مصحف رویت	تو تخم کفر افشانی در این بستان و دین رویت
(همان: ص ۱۷۵)	
زلف چو گانت چو بر گوی زرخدان میزند	گوی گردون دست بیتابی به دامان میزند
(همان: ص ۱۹۲)	
کمان ابرویت ای نوجوان چو پیر شریر	شده‌ست گوژ و از او فتنه جوان دارم
(همان: ص ۲۶۹)	

نیز برای مشاهده شواهد بیشتر مراجعه شود به غزل ۳ بیت ۲ در توصیف لب، غزل ۲۸ بیت ۳ در توصیف مژه، غزل ۴۱ بیت ۳ در توصیف چشم، غزل ۱۲۷ بیت ۴ و غزل ۱۵۶ بیت ۲ در توصیف عارض. واسوخت (اعراض از معشوق): واسوخت در لغت به معنی بیزاری و رویگردانی از معشوق است و در اصطلاح سنتی نیز به سبکی از اشعار گفته میشود که مضمون آن مربوط به همین رویگردانی از معشوق باشد. واسوخت شاخه‌ای از سبک قدیمی وقوع‌گویی است که در اوایل سده دهم هجری در شعر پارسی پدید آمد. در این سبک شاعر، آشکار و بیپرده زبان خود را واگویی میکند. واسوخت، دوری جستن دل‌داده از دلبر را مد نظر دارد و در واقع عبارت بود از عکس‌العمل قهر و عتابی که عاشق در مقابل بیوفایی یا ناسپاسی معشوق نشان میدهد و غالباً از اطوار عاشق است (پژوهشی در سبک هندی و دوره بازگشت، خاتمی: ص ۲۹). در دیوان سنجر، مواردی که واسوخت باشد نادر است، او شاعری است که در توصیفاتش به وصال می‌اندیشد و پیوسته در آرزوی وصال است

اما گاهی اوقات عنان اختیار از کف داده و ضمن عتاب معشوق و اتهام او به بینوایی از حسن، از وی اعراض میکند:

رفتیم و جا گذاشتیمت	خوش باش که واگذاشتیمت
ای گل به صبا گذاشتیمت	چون بوی وفایی از تو ناید
ما هم به خدا گذاشتیمت	ما را چو گذاشتی و رفتی
ما خود به نوا گذاشتیمت	خوب است که بینوایی از حسن
یک شب به دعا گذاشتیمت	سنجر چه به روز یار کردی

(دیوان سنجر کاشانی: صص ۱۳۸ و ۱۳۹)

مفاخره: سنجر کاشانی در دیوان خود مانند برخی شعرای ادب فارسی بعضاً خود را ستوده و در تمجید از مقام و جایگاه شاعری خود سخن گفته است. او در هر انجمن و خلوتی مشغول ترانه خوانی و پایکوبی است؛ زیرا در هر غزل او جلال و شکوهی نهفته است:

در انجمن و خلوت میخوانم و میرقصم بر هر غزل سنجر بسته است جلاجلها

(همان: ص ۱۱۱)

سنجر، حاسدان سخنانش را «عقیم طبع» خطاب میکند زیرا اگر از خامه او نکته اصیل و شعر نابی بیرون بیاید، آنها از حسادت میمیرند:

ز خامه زاد اگر نکته اصیل مرا	عقیم طبعان سنجر ز رشک میمیرند
------------------------------	-------------------------------

(همان)

او شعر خود را «شعر تر» بمعنی شعر تازه و ناب مینامد:

صافی سینه عیان است ز شعر تر سنجر	خضم گو پرده صد عیب کن این یک هنرش را
----------------------------------	--------------------------------------

(همان: ص ۱۱۴)

وی معتقد است چون طرز تازه‌ای را در شاعری در سرزمین هند ابداع کرده است، شایسته است که به او عنوان «خسرو سخن» داده شود:

در هند طرز تازه سنجر رواج یافت	میزبیدش که خسرو ملک سخن شود
--------------------------------	-----------------------------

(همان: ص ۲۱۶)

در بیت زیر نیز از طرز نو شعر خود یاد کرده است:

سنجرم و به طبع خود طرز نوی سرشتمام	نیست سرشتم آشنا پر به سرشت دیگران
------------------------------------	-----------------------------------

(همان: ص ۲۷۲)

نیز در غزلی دیگر، شعرش را در عزیز و ارجمند بودن همانند یوسف پیامبر (ع) میدانند و در ادامه شهر کاشان را میستاید و بیان میکند که اگر شعرش نیک و ارجمند است به این دلیل است که او زاده کاشان است و کاشان به خوش قماش (ادب و شعر)، معروف است. بنابراین قطعه شعرش را بعنوان ارمغان برای سخنوران کاشان میفرستد:

همه شهر همچو یوسف، سخنم عزیز باشد	مثل است کار کاشان همه جا ز خوش قماش
ز مسودات سنجر به از این غزل ندارم	که به ارمغان فرستم به سخنوران کاشی

(همان: ص ۲۹۴)

در قصیده‌ای که در مدح اکبرشاه سروده، او را میستاید و شاعر شدنش را تنها بخاطر او میداند و در ادامه خود را شایسته‌ی الطاف پادشاه میپندارد و شعرش را همپایه‌ی دفتر قضا میبیند و چنین بیان میکند که هنگام مدح شاه، بخاطر زیبایی شعرش، بلبلان در خانه‌ی او برای خود آشیانه میسازند:

شایسته‌ام به تربیت و لایقم به لطف	لافسی نمیزنم سخنم هست در میان
هم جلدِ نامه‌ام ورق دفتر قضا	همدوش خامه‌ام، غلم فتح کاویان
بلبل به شاخ خامه‌ی من آشیان نهاد	در نوبهار مدح و ثنای خدایگان

(همان: ص ۳۵۸)

سطح زبانی

باریک‌اندیشی و مضمون‌آفرینی

اساسی‌ترین و مهم‌ترین ویژگی سبک هندی، مضمون‌آفرینی و ایجاد معانی باریک و نکته‌های غریب و نازک است که با فکری رسا و نظر دقیق بدست می‌آید. پایه‌ی اساسی در این مکتب بر تخیل و مضمونسازی گذاشته شده است. مضمون نو، خمیرمایه‌ی اصلی کار شاعر است و از آن با تعبیراتی همچون معنی بیگانه، معنی غریب، معنی وحشی، معنی دور یا دورگرد، مضمون بیگانه و مضمون تازه یاد میکنند. اصولاً شاعران این دوره در پی یافتن معنی بیگانه و خیال‌خاوند (پژوهشی در سبک هندی و دوره‌ی بازگشت، خاتمی: ص ۱۳)

سنجر نشد سفینه‌ی ما ساحل آشنا در موجخیز حادثه بس دست‌وپا زدیم
(دیوان سنجر کاشانی: ص ۲۴۱)

(در موج‌خیز حادثه دست و پا زدن)، مضمونی تازه است. شاعر در پی بیان این مطلب است که آرامش خاطر و نجات از حادثه برای او مقدور نیست زیرا بخاطر تلاش زیاد (دست و پا زدن)، توانی برای او باقی نمانده است. ابتدا با تشبیهی مضمور، حادثه را به دریایی مواج تشبیه کرده که سفینه وجود شاعر در آن در حال حرکت است و او برای نجات دادن خویش از غرق شدن با تمام توان مشغول دست و پا زدن است. سپس به بیان این نکته پرداخته است که به جهت تلاش فراوان و ازدست رفتن نیرو، توان کافی جهت رساندن کشتی وجود شاعر به ساحل این دریای مواج باقی نمانده است.

وصلم حلال باد پس از رنج انتظار کاین لقمه از دهان فلاخن گرفته‌ام
(همان: ص ۲۵۹)

تعبیر «لقمه از دهان فلاخن گرفتن» در مصرع دوم، مضمونی بکر و درخور تأمل است. پیچیدگی این بیت در ارتباط بین لقمه و فلاخن است. شاعر ابتدا فلاخن را که وسیله‌ی پرتاب سنگ است به انسانی تشبیه کرده که دهان دارد. سپس واژه لقمه را که با دهان ارتباط دارد ولی در مقایسه با فلاخن قدری نامأنوس بنظر میرسد ذکر کرده است. با تأمل در مضمون بیت، این معنی حاصل میشود: شاعر خبر وصل یار را که مانند لقمه‌ای لذیذ و خوشگوار است، مثل سنگی که از فلاخن پرتاب میشود از دهان فلاخن شنیده است.

بارزترین و مشهورترین شیوه مضمون‌سازی و عبارت دیگر شگرد کار در سبک هندی، نقب زدن از ظاهر به باطن یا برقرار کردن ارتباط بین محسوس و نامحسوس است. شاعر دائماً میان دو قطب محسوس و نامحسوس در آمدوشد و ترددی شاعرانه است (بیدل، سپهری و سبک هندی، حسینی: ص ۱۸).

برای پرهیز از طولانی شدن بحث از شرح شواهد دیگر مضمون‌آفرینی در دیوان سنجر خودداری میشود و صرفاً به ذکر نمونه‌های دیگر برای تأمل بیشتر خوانندگان بسنده می‌گردد:

از گریه سبز شد چمن انتظار ما دنبال ما متاز که صید لاغیریم بر گرد باد آه اسیران نشسته‌ایم	صد رنگ گل شکفت ز باغ و بهار ما فتراک سرخ رو نشود از شکار ما بر دامن کس ننشیند غبار ما (همان: صص ۹۳ و ۹۴)
باش چون مست سرافکنده که از نخوت زهد کمرم قابل زَنار و جبین لایق صندل خضرم نمود تربیت اما گلی نجید	سفره می شده سجادهٔ پشمینهٔ ما (دیوان سنجر کاشانی: ص ۹۷) لقب برهنمی یافتم از سجدهٔ اول (همان: ص ۲۳۷)
سفرم توشه برنمی‌دارد به خون خویشتن آلوده‌اند مردم چشم	کو برق؟ تا تپانچه زند بر گیاه من (همان: ص ۲۷۹) نام من پخته است نان مرا (همان: ص ۴۱۸) وگرنه ماتمیان دست در حنا نهند (همان: ص ۴۲۱)

تمثیل یا ارسال المثل

تمثیل بیان غیرمستقیمی است که اساس آن بر تشبیه بنا میشود؛ بدین ترتیب که فرد برای بیان ذهنیت خویش که معمولاً مفهومی عقلی و نامحسوس است، عینیتی محسوس را برمیگزیند تا ذهنیت خود را بر اساس آن القا کند (سیری در شعر فارسی، زرین کوب: ص ۱۰۹).

مثل در واقع برقراری و تثبیت یک فکر بواسطهٔ عینیت بخشیدن به آن است. البته این خود مبتنی بر نوعی تشبیه است که بیشتر جنبهٔ برهان و استدلال شاعرانه دارد ولی در تشبیه محض و خالص، هیچگونه استدلالی در میان نیست (تمثیل در سبک هندی، اعلا، ۱۳۸۶). در شعر سبک هندی، تمثیل و ارسال المثل یک ویژگی برجستهٔ سبکی است. این صنعت قبل از سبک هندی هم استعمال داشت ولی شاعران این سبک از آن استفاده زیاد کرده و از طرف دیگر نحوهٔ استفاده‌شان متفاوت است. تمثیل در سبکهای قبلی در چند مصراع تمام میشد اما در سبک هندی تمثیل یا اسلوب معادله در یک بیت مطرح میشود. در شعر سنجر به ارسال المثل توجه شده است و روایی و گیرایی کلام او در پاره ای ابیات بحدی است که در بیان محاورهٔ مردمان، حکم ارسال المثل یافته است:

چشم گرسنه را نتوان دوختن به هیچ هرچه میگوییم عکس آن ز ما سر میزند تا پا به زمین ناید ایمن مشو از طوفان در هیچ صفحه نیست که صد نکته درج نیست	بتوان به لقمه بست دهان نهنگ را (دیوان سنجر کاشانی: ص ۹۶) قول ما هرگز موافق نیست با کردار ما (همان: ص ۱۱۰) بیم خطر کشتی بیش است به ساحلها (همان: ص ۱۱۱) صاف سخن به دفتر ما برنمیخورد (همان: ص ۲۱۶)
--	--

نشکفته است گلی بی نم باران، سنجر	گریه‌ای شرط بود از پس هر خندیدن (همان: ص ۲۷۹)
وفا مجوی ز خوبان که در شکستن عهد	چو در شکست زلف خود قویدستند (همان: ص ۴۲۰)

پارادوکس: پارادوکس یا متناقض‌نما را انگاره‌ای میدانند که از عناصر ناهمخوان تشکیل شده است که پیوند این عناصر ناهمخوان به مدد نیروی خیال امکانپذیر است. پارادوکس تصویری است که دو روی ترکیب آن از لحاظ مفهومی یکدیگر را نقض میکند. در واقع تناقض ظاهری مفهوم جمله باعث میشود که شنونده یا خواننده به آن توجه بیشتری کند و در پی کشف زیبایی پنهان آن شود (بررسی انواع پارادوکس ترکیبی و معنایی غزل منزوی، رحیمی زنگنه، و نجفی، ۱۳۹۲). بنا به تعبیر شفیعی کدکنی، پارادوکس یکی از انواع آشنایی‌زدایی هنری در زبان است. وی با استناد به مصرع (اگر سلطنت فقر ببخشند ای دل)، از شعر حافظ به این موضوع اشاره کرده است که (سلطنت فقر) یک بیان پارادوکسی است و این یکی از شیوه‌های عظیم در بلاغت سنتی ماست. و اگر چنین کاربردی در منطق عیب است در هنر، اوج تعالی است. تعبیری نظیر (شتاب ساکن) و (برگ بی‌برگی) که اولی از واعظ قزوینی و دومی از سنائی میباشند نیز از این مقوله است (موسیقی شعر، شفیعی کدکنی، صص ۳۶ و ۳۷).

برخی از نمونه‌های پارادوکس در شعر سنجر کاشانی به قرار زیر است:

ز درد انتظار دوش، مرگم روشن است	که بر در بود دوشم دیده و بر روزن است امشب (دیوان سنجر کاشانی: ص ۱۲۳)
تا ز بی‌لطفی به روی من در بیداد بست	بی غم، گر دل دمی زین غم لب از فریاد بست (همان: ص ۱۳۴)
بر چرخ شکسته است کله‌گوشه فخرم	مانا که سرم در گرو تاج قیاد است (همانجا)
دستم به گریبان عزیزی نرسیده	گلدسته رسواییم از خاک گیا رست (همان: ص ۱۴۵)
با وجود بی‌کلاهی، با همه عریان تنی	تاج فخرم بر سر و تشریف قدم در بر است (همان: ص ۱۵۸)

سطح لغوی (واژگانی)

توجه به الفاظ عامیانه و الهامگیری از تجارب روزانه: در دوران سبک هندی با رویگردانی دربار صوفیه از پذیرش شاعران، شعر از دربار بیرون آمد و در میان عامه مردم رواج یافت. بتدریج الفاظ و جملات و مثلثای عامیانه و از همه مهمتر فرهنگ عامیانه در شعر رواج یافت. به همین جهت یکی از مشخصه‌های این سبک را میتوان توجه به الفاظ عامیانه دانست. در شعر سبک هندی حتماً الفاظ و کلمات عامیانه‌ای میتوان یافت که در شعر شاعران پیشین نبوده است. اگرچه این ویژگی بشکلی رقیق بعضاً در سبک خراسانی و عراقی نیز سابقه داشته است اما در شعر سبکهای فوق بعنوان نوعی تفنن کاربرد داشت ولی در دوره مورد مطالعه ما نوعی ضرورت شعری محسوب میشده است (پژوهشی در سبک هندی و دوره بازگشت، خاتمی: ص ۲۵). در دیوان سنجر کاشانی نیز توجه به فرهنگ عامه و استفاده از واژگان عامیانه و اصطلاحات محاوره تا حد قابل اعتنایی بچشم میخورد:

وای بر همسایه دیوار بر دیوار ما (دیوان سنجر کاشانی: ص ۱۱۰)	ما که شهری را ز نالیدن به تنگ آورده‌ایم
دل را کسی به کوچه و برزن نیافته است (همان: ص ۱۳۳)	سنگ و سفال نیست که بر خاکش افکنند
فردا چه شناسیم که مُردست و که زادست (همان: ص ۱۳۴)	امروز دگر با می و مطرب به سر آریم
من به روی خود نیاوردم سخن بسیار بود (همان: ص ۱۹۰)	دوش بر رغم من آنجا صحبتی در کار بود
ناف هفته ست اگر غره ماه رجب است (همان: ص ۳۱۴)	زاهد امروز اگر می نخورد شرمش باد

نیز رجوع شود به غزل ۶۰ بیت ۲ و ۳ (ص ۱۲۰)، غزل ۱۶۹ بیت ۴ (ص ۱۷۱)، غزل ۱۸۷ بیت ۲ (ص ۱۷۹)، غزل ۳۲۰ بیت ۱ (ص ۲۴۳)، غزل ۳۲۱ بیت ۴ (ص ۲۴۴)، غزل ۳۲۵ بیت ۵ (ص ۲۴۵)، غزل ۳۲۸ بیت ۱ (ص ۲۴۷)، غزل ۳۳۵ بیت ۳ (ص ۲۵۰).

واژه‌های ایدئولوژیک در دیوان سنجر کاشانی: نشانه‌شناسان طبقه‌بندیهای متفاوتی از رمزگانهای اجتماعی ارائه کرده‌اند؛ از جمله رمزگان کلامی، رمزگان بدنی و رمزگان کالایی، رمزگان ساختاری (سیستمی) و رمزگان فرایندی. رمزگان ساختاری مجموعه‌ای از عناصر را به یک نظام مشخص و گاه گسترده پیوند میزند، به این نوع رمزگان، رمزگان ارجاعی نیز میگویند. چون هر کدام از این رمزگانها به یک نظام مشخص اجتماعی یا نهاد معین فرهنگی ارجاع میدهد مثلاً رمزگان تصوف، رمزگان زهد، رمزگان چپگرا، سلطنت‌طلب و مشروطه‌خواه که هر کدام در بخشی از ادبیات فارسی مسلط بوده‌اند. نوع رمزگان در لایه واژگانی و نقش آن رمزگان در متن، میزان وابستگی و دلسپردگی مؤلف به گفتمانهای مسلط و نسبت او با ایدئولوژیها و نهادهای قدرت را مشخص میکند (سبک‌شناسی، فتوحی: ص ۲۶۰). در شعر سنجر کاشانی واژه‌های مرتبط با نهادهای مختلف، حضور ملموس و قابل توجهی دارند که از باب نمونه به بررسی این واژه‌ها در غزل طولانی زیر میپردازیم:

سرخوش و مست برون تاخته از میکده دوش مجمعی دیدم از اهل ریا مالامال شیخکی معرکه آراسته با یک دف ریش همچو مینای میم افتان و خیزان چون دید آخر این ماه صیام است نترسی ز خدا همه را خشک لب از روزه، ترا تردامن گفتم ای خانقه زهد ز تو زرق‌آباد از تلامیذ تو ابلیس یکی گندسواد بوریا‌های ریاباف به هم بافته‌ای اندر آن خم چه می صافی سوزی پایکوبان سماعش همه افشرده عصیر گر نترسم که به بدمستی مشهور شوم بتت از جیب نمایان کنم ای شیدشعار	میگذشتم به در صومعه گویا و خموش همه تسبیح به دست و همه سجاده به دوش کپنکی پیرو خود ساخته یک گله وحوش با دم سرد درآمد چو خم می در جوش آخر این پند رسول است نگیری در گوش هان دهان آب کش از باده و در توبه بکوش گفتم ای کوی خموشان ز تو بازار خروش وز مریدان تو محمود یکی حلقه به گوش فرش از خشت خم انداخته در زیر فروش که نکردست از آن پیر مغان رشحی نوش سینه گرمان دعایش همه آورده به جوش زود بردارم از ساغر عرضت سرپوش مستت از کوی برون آورم ای زرق‌فروش
---	--

نه مرا توبه ز می بلکه تو را سوگند است
 سنجر از بخت دلیر تو به مستی چه عجب
 ایهاالشیخ که من بعد در این باب مکوش
 محتسب پیش دهان تو اگر گیرد گوش
 (دیوان سنجر کاشانی: ص ۲۲۸)

واژه‌های مربوط به نهاد تصوف، شریعت و خرابات در غزل فوق به قرار زیر هستند:
 رمزگان نهاد تصوف: شیخ، شیخک، صومعه، دف، خانقه، مرید، زهد، سماع
 رمزگان نهاد شریعت: تسبیح، سجاده، ماه صیام، روزه، توبه، رسول، ریا، دعا، سوگند
 رمزگان نهاد خراباتی: باده، خُم، می صافی، پیر مغان، مست، عصیر، ساغر
 برای شواهد بیشتر درخصوص کاربرد واژه‌های فوق در شعر سنجر مراجعه شود به غزل ۳۴۸ (ص ۲۵۶)، غزل ۳۹۴ (ص ۲۷۷) و غزل ۴۱۷ (ص ۲۸۸).

سطح بلاغی (ادبی)

سنجر مانند سایر شاعران از آرایه‌ها و ابزارهای شعری متعددی برای آراستن کلام خود بهره جسته است. در دیوان وی اغلب آرایه‌های لفظی و معنوی از قبیل تشبیه، استعاره، کنایه، مجاز، تلمیح، و مراعات نظیر بچشم میخورد که پرداختن به مصادیق تک‌تک آنها از حوصله این پژوهش خارج است و علاقمندان میتوانند با مراجعه به دیوان این شاعر، آگاهیهای لازم را از چگونگی بکارگیری این فنون شعری در دیوان سنجر بدست بیاورند. لیکن جهت آشنایی مختصر مخاطبان به دو مورد از پرسامدترین این آرایه‌ها در شعر وی که در حوزه لفظی و معنایی بترتیب عبارت از (تشبیه) و (تلمیح) هستند اشاره میشود:

تشبیه: ابتداییترین صورت تلاش تخیل برای وحدت بخشیدن به صور خیال، تشبیه است. بر اساس نقل قول شفیع کدکنی از جرجانی، تشبیه آنست که معنی یا حکمی از معانی و احکام چیزی را برای چیز دیگر ثابت کنیم؛ مثل اثبات شجاعت شیر برای مردم. (صور خیال در شعر فارسی، شفیع کدکنی: ص ۵۳). اصطلاح تشبیه در علم بیان بمعنی مانند کردن چیزی است به چیزی، مشروط بر اینکه آن ماندگی مبتنی بر کذب یا دروغ نما باشد یعنی با اغراق همراه باشد (نگاهی تازه به بدیع، شمیسا: ص ۳۳). تشبیه در سبک هندی پرکاربرد است و اساس این سبک بر تشبیه استوار است. در دیوان سنجر نیز تشبیه جایگاه خاصی دارد و بعد از تلمیح، پرکاربردترین آرایه ادبی موجود در دیوان است. نکته اصلی در تشبیهات دیوان سنجر، این است که بیشتر تشبیه‌ها بصورت اضافه تشبیهی است، با این توضیح که مشبه به مشبه به یا برعکس، اضافه شده و ادات تشبیه حذف شده است. در بعضی موارد نیز تشبیهات از نوع تشبیه مفصل میباشد؛ به این صورت که ارکان اصلی تشبیه به یکدیگر اضافه نشده‌اند بلکه بعضاً بواسطه ادات تشبیه و در پاره‌ای موارد بدون حضور ادات تشبیه بهم مانند شده‌اند. در خصوص نوع طرفین تشبیه باید به این موضوع اشاره کرد که طرفین تشبیهات بیشتر حسی به عقلی هستند و در اندک مواردی نیز حسی به حسی یا عقلی به حسی هستند و پی بردن به چنین تشبیهاتی چندان دور از ذهن نیست. از نظر مفرد و مرکب بودن وجه شبه نیز در مواردی که خود تشبیه مرکب است، حتماً وجه شبه مرکب بوده و در سایر موارد، وجه شبه اغلب مفرد مقید و در بعضی موارد مرکب میباشد.

نمونه‌ای از تشبیهات دیوان سنجر:

اضافه تشبیهی: در این تشبیه، طرفین تشبیه بهم اضافه میشوند و ادات تشبیه نیز حذف میگردد:

الهی گنج معنی ده دل گوهر فروشم را
 ز گفت و گوی امروزی خجل کن قول دوشم را
 (دیوان سنجر کاشانی: ص ۹۵)

در کوچه نیاز تنم وقف بسمل است گردن به تیغ و سینه به آماج داده‌ام
(همان: ص ۲۶۵)

شواهد برای بررسی بیشتر: قافله اشک (غزل ۲۳۵ بیت ۴ ص ۲۰۳)، کمند عشق (غزل ۳۶۴ بیت ۳ ص ۲۶۳)، کشور عشق (غزل ۳۸۶ بیت ۳ ص ۲۷۴)، طفل اشک (غزل ۳۸۷ بیت ۵ ص ۲۷۴) و شهر فقر (غزل ۳۸۹ بیت ۱ ص ۲۷۵).
تشبیه مفصل: تشبیهی که وجه شبه در آن ذکر شده باشد:

روز مرا چو شام غریبان سیاه کن ای پارسا ملاحظه زان زلف تیره کن
(همان: ص ۲۷۷)

باز وقت است که از شدت تبرید هوا عالم افسرده شود، همچو دم اهل ریا
(همان: ص ۳۰۲)

شواهد برای بررسی بیشتر: غزل ۳۳۴ بیت ۳ ص ۲۵۴، غزل ۳۷۰ بیت ۴ ص ۲۶۶، غزل ۳۷۴ بیت ۳ ص ۲۶۸ و غزل ۳۹۸ بیت ۱۰ ص ۲۷۹.

تشبیه مرکب: مقصود از تشبیه مرکب لزوماً جمله یا عبارت یا مجموعه چند واژه نیست، بلکه مرکب یک هیئت ترکیبی است و بقول قدما تشبیه مرکب، هیئت منتزع از چند چیز است و با زبان امروز تابلو و تصویری است ذهنی که چند چیز در بوجود آوردن آن نقش داشته باشد.

دیری است کارمیده به مسکن فتاده‌ام چون آتش فسرده به گلخن فتاده‌ام
(دیوان سنجر کاشانی: ص ۲۵۴)

سنجر ز بس گداخته‌ام در فراق دوست چون رشته جا به چشمه سوزن گرفته‌ام
(همان: ص ۲۵۹)

در خصوص انواع و اقسام تشبیه در دیوان سنجر و بررسی جزئیات مربوط به هر کدام از آنها رجوع شود به مقاله «نقد و تحلیل تشبیه در دیوان سنجر کاشانی» از حسن اتحادی و دیگران (۱۳۹۷).

تلمیح: تلمیح در لغت بمعنی دیدن و نظر کردن و آشکار ساختن و اشاره کردن است و در اصطلاح علم بدیع، اشاره به قصه یا مثل سائره است به شرطی که آن اشاره چنانکه از معنای اشاره برمیآید، تمام داستان یا شعر یا مثل سائره را دربرنگیرد (فرهنگ تلمیحات، شمیسا: ص ۹). تلمیح دو ژرفساخت تشبیه و تناسب دارد؛ زیرا اولاً ایجاد رابطه تشبیهی بین مطلب و داستانی است و ثانیاً بین اجزای داستان تناسب وجود دارد (نگاهی تازه به بدیع، شمیسا: ص ۹۰). در میان صنایع بیشتر، تلمیح مورد توجه شاعران این دوره است که در مضمونسازی نقش فعالی دارد و میتواند از مصالح کار باشد اما ایشان از تلمیحات رایج استفاده میکنند و تلمیحات غریب ندارند (سبک‌شناسی شعر، شمیسا: ص ۲۹۹). سنجر برای روشن ساختن آنچه میخواهد بگوید، در کلام خود بوفور از صنعت تلمیح استفاده کرده است. تلمیحات شعر او را میتوان به دو دسته تلمیحات دینی و تلمیحات غیردینی تقسیم کرد. در تلمیحات دینی به سرگذشت انبیاء الهی از قبیل ابراهیم (ع)، یوسف (ع)، نوح (ع)، ایوب (ع)، سلیمان (ع)، موسی (ع) و عیسی (ع) اشاره کرده است. در تلمیحات غیردینی نیز به فرازی از سرگذشت افرادی از قبیل فرهاد و شیرین، لیلی و مجنون، محمود و ایاز و اسکندر پرداخته است.
نمونه‌هایی از تلمیحات دینی:

شکست کار دور از جوانمردی است چرا خلیل عبث کرد رنج آزر را
(همان: ص ۱۰۴)

یوسف مصری خریدار است در بازار ما (همان: ص ۱۱۰)	ای زلیخامشربان ما را به صورت کار نیست
ز گرداب بلایش نوح سالم برنمی‌آید (همان: ص ۱۷۴)	اگر کشتی براند فی المثل بر قلزم چشم
نامهربان دلت غم سنجر نمیخورد (همان: ص ۲۱۶)	ایوب بر جراحت ناسور میگریست
بسیار گذشتیم و پی مور ندیدیم (همان: ص ۲۵۹)	بر باد مکن تکیه که بر خاک سلیمان
بهر تعظیم بیندازد از دست عصا (همان: ص ۳۰۴)	گر به موسی متکلم شود آن عیسی‌دم

نمونه‌هایی از تلمیحات غیردینی:

هزار حیف که شیرین کارفرما نیست (همان: ص ۱۳۹)	کنم به هر سر انگشت کار صد فرهاد
کز چشم سیاه تو بسی خانه‌سیاهم (همان: ص ۲۵۶)	مجنون سیه‌خانه به رسوایی من نیست
کز کمین جلوۀ او بنده محمود شوی (همان: ص ۲۸۹)	بکن انکار ایاز ارنه خجل زود شوی
جسم ز باد جنیبت کشید وقت شدن (همان: ص ۳۶۱)	سکندر از پیّم آئینه داشت حین وداع

نتیجه‌گیری

بواسطه وقوع تحولات مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی در دوران حکومت صفوی در ایران و اقبال خاص امرا و پادشاهان هند به سرایندگان ایرانی، تعداد کثیری از شعرا و سخنوران فارسی‌زبان این عهد، ترک وطن گفته در دیار هند سکنی گزیدند. سنجر کاشانی نیز از جمله شاعرانی است که بخش اعظمی از زندگی و دوران شاعریش را در سرزمین هند سپری کرده و مجموعه اشعار خود را در آن اقلیم سروده است. از جزئیات زندگی سنجر، اطلاعات دقیق و کاملی در دست نیست. لیکن با اتکا به معلوماتی که در برخی تذکره‌ها در خصوص سنجر و سرگذشت وی ذکر شده، میتوان به این جمع‌بندی رسید که پدر وی با تخلص «رفیعی» و بعدها «معمایی» از شعرای برجسته عصر صفوی بود و سنجر از فضایل و کمالات پدر به نحو احسن بهره‌مند گردیده است. سنجر در زمان حیات از شهرت و اعتبار قابل اعتنائی برخوردار بود تا بدان حدّ که صائب تبریزی در شعر خود از وی یاد کرده است. او شاعری مداح است و در شعر خود چندین تن از پادشاهان هند از قبیل اکبرشاه، میرزا خانی بیگ، شاهنوازخان و ابراهیم عادلشاه را ستوده است. از مهمترین ویژگیهای شعر سنجر در سطح فکری میتوان به موارد ذیل اشاره کرد:

مدح، که شامل مدایح مذهبی (نعت رسول اکرم (ص) و ستایش حضرت علی (ع) و مدایح غیرمذهبی (مدح پادشاهان و امیران معاصر شاعر) است. در مدایح مذهبی، شاعر اشراف خود را نسبت به حوادث تاریخی مربوط به زندگی و سیره نبوی و حضرت علی (ع) با توانمندی خاصی به خواننده القا میکند. اشعار مربوط به مدایح

غیرمذهبی شاعر، فاقد ارزش ادبی و هنری قابل ذکر هستند. از دیگر مضامین نیز میتوان به این موارد اشاره کرد: ستایش مقام مادر و فرزند با بیانی عاطفی و تأثیرگذار، مضامین عاشقانه که در ضمن این مضامین، به توصیف جمال معشوق و جزئیات شمائل و اعضای وی پرداخته است. قابل ذکر است که در برخی موارد به جهت اظهار ملال و ناراحتی از برخی رفتارهای معشوق، بعضاً به نکوهش وی میپردازد که این دسته از اشعار در حوزه تفکرات واسوختی - که خود از مضامین و فروعات سبک هندی است - قابل بررسی است، مفاخره (فخریه‌سرای) که شاعر در ضمن این ابیات، از هنر شاعری و قابلیت‌های خاص شعر خود با چاشنی اغراق بحث میکند.

در سطح زبانی عمده‌ترین خصوصیات شعر سنجر بدین شرح است: باریکاندیشی و مضمون‌آفرینی، تمثیل یا ارسال‌المثل، پارادوکس. همچنین توجه به الفاظ عامیانه و اصطلاحات زبان محاوره و الهام‌گیری از تجارب روزانه، و حضور واژه‌های دارای بار معنایی ایدئولوژیک از جمله ویژگی‌های سطح لغوی شعر سنجر بشمار میروند.

در سطح بلاغی نیز توجه به این نکته لازم است که سنجر برای تزئین کلام خود از آرایه‌های متنوع بلاغی مدد گرفته است که از پرسامدترین آنها در حوزه لفظ و معنا میتوان بترتیب از تشبیه و تلمیح نام برد. بیشتر تشبیهات دیوان سنجر از نوع اضافه تشبیهی است. همچنین طرفین تشبیهات بیشتر حسی به عقلی هستند و در اندک مواردی تشبیهات حسی به حسی، عقلی به حسی و نیز تشبیهات مرکب نیز در دیوان وی بچشم میخورند. تلمیحات موجود در دیوان این شاعر را میتوان به دو قسم تلمیحات دینی و تلمیحات غیردینی طبقه‌بندی کرد. غالب تلمیحات دینی وی درخصوص اشاره به داستانهای انبیای الهی از قبیل یوسف (ع)، ابراهیم (ع)، نوح (ع)، و ایوب (ع) شکل گرفته‌اند. در تلمیحات غیردینی نیز به سرگذشت شخصیهایی از قبیل لیلی و مجنون، شیرین و فرهاد، خسرو و شیرین، و اسکندر اشاره شده است.

تعارض منافع

نویسنده این مقاله گواهی مینماید که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCE

- Ala, Mohsen (2007), Allegory in Indian style, Journal of Persian Language and Literature Education, pp. 19-23.
- Hosseini, Hassan (1997), Biddle, Sepehri and Indian style, second edition, Tehran: Soroush Publications.
- Khatami, Ahmad (1992), Research in Indian Style and Return Period, First Edition, Tehran: Baharestan Publications.
- Divan Sanjar Kashani (1975), edited by Mostafa Feizi, Hassan Atefi and Abbas Behnia, Tehran: Museum Publications and Documents Publications.

- Divan Sanjar Kashani (2008), edited by Hassan Atefi and Abbas Behnia, Tehran: Library and Documentation Center of the Islamic Consultative Assembly.
- Rahimi Zanganeh, Ibrahim; Najafi, Azita (2013), A Study of Types of Composite and Semantic Paradoxes in Isolated Ghazal, 7th Conference on Persian Language and Literature Research, Hormozgan University.
- Zarrinkoob, Abdolhossein (2005), A Look at Persian Poetry, Fourth Edition, Tehran: Sokhan Publications.
- Shafiee Kadkani, Mohammad Reza (2002), Poetry Music, Seventh Edition, Tehran: Agah Publications.
- Shafiee Kadkani, Mohammad Reza (1996), Images of Imagination in Persian Poetry, Sixth Edition, Tehran: Agah Publications.
- Shamisa, Sirus (1997), Stylistics of Poetry, Third Edition, Tehran: Ferdows.
- Shamisa, Sirus (1999), Expression and Meanings, Fourth Edition, Tehran: Ferdows Publications.
- Shamisa, Sirus (1999), A new look at the novel, tenth edition, Tehran: Ferdows Publications.
- Shamisa, Sirus (2007), Farhang Talmihahat, Tehran: Mitra Publications.
- Fotouhi, Mahmoud (2019), Stylistics, Theories, Approaches and Methods, Fourth Edition, Tehran: Sokhan Publications.

فهرست منابع فارسی

- بیان و معانی، شمیسا، سیروس (۱۳۷۸)، چاپ چهارم، تهران: فردوس.
- بیدل، سپهری و سبک هندی، حسینی، حسن (۱۳۷۶)، چاپ دوم، تهران: سروش.
- پژوهشی در سبک هندی و دوره بازگشت، خاتمی، احمد (۱۳۷۱)، چاپ اول، تهران: بهارستان.
- تمثیل در سبک هندی، اعلا، محسن (۱۳۸۶)، مجله رشد آموزش زبان و ادب فارسی، صص ۱۹-۲۳.
- دیوان سنجر کاشانی (۱۳۵۵)، تصحیح مصطفی فیضی، حسن عاطفی و عباس بهنیا، تهران: انتشارات موزه و اسناد مجلس.
- دیوان سنجر کاشانی (۱۳۸۷)، تصحیح حسن عاطفی و عباس بهنیا، تهران: کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- سبک‌شناسی شعر، شمیسا، سیروس (۱۳۷۶)، چاپ سوم، تهران: فردوس.
- سبک‌شناسی، نظریه‌ها و رویکردها و روشها، فتوحی، محمود (۱۳۹۸)، چاپ چهارم، تهران: سخن.
- سیری در شعر فارسی، زرینکوب، عبدالحسین (۱۳۸۴)، چاپ چهارم، تهران: سخن.

صور خیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۵)، چاپ ششم، تهران: آگاه.
فرهنگ تلمیحات، شمیسا، سیروس (۱۳۸۶)، تهران: میترا.
موسیقی شعر، شفیعی کدکنی، محمد رضا (۱۳۸۱)، چاپ هفتم، تهران: آگاه.
نگاهی تازه به بدیع، شمیسا، سیروس (۱۳۷۸)، چاپ دهم، تهران: فردوس.
بررسی انواع پارادوکس ترکیبی و معنایی در غزل منزوی، رحیمی زنگنه، ابراهیم و نجفی، آزیتا (۱۳۹۲)،
هفتمین همایش پژوهشهای زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه هرمزگان.

معرفی نویسنده

احمد محمدی: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور تبریز، تبریز، ایران.

(Email: a_mohammadi56@pnu.ac.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.



Introduction of the author

Ahmad Mohammadi: Professor, Department of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Tabriz, Tabriz, Iran.

(Email: a_mohammadi56@pnu.ac.ir)